استقلال خپلواکی
www.esteqlaal.net
از منابع دیگر
چهارشنبه ۰۴ جون ۲۰۲۵

ارمغان کودتای منحوس ثور

نخست از همه باید "ارمغان" را معنی و تفسیر کرد و تشریح نمود و بعد هم به کودتای منحوس ثور پرداخت:

" ارمغان – لغت نامهٔ دهخدا

ارمغان . { اَ م / َ مُ } تحفه ای باشد که چون از جائی آیند بجهت دوستان بیاورند. (جهانگیری)."

و این ارمغان و تحفهٔ شوم و بدشگون از آنسوی آمو، برای مردم مظلوم افغانستان عزیز بیشتر از چهار دهه قبل، توسط کودتاچیان بی آزرم و غلامان بی مقدار و شرف باختگان رو **سیهٔ** هفتم ثوری از کشور "شورا ها" و از آنسوی سرحدات و از همان رو **سیهٔ** تاریخ برای مردم شریف و نجیب افغانستان درست در هفتم ثور ۱۳۵۷، "هی میدان و طی میدان و خار مغیلان" گفته با دریای از خون و خیانت و جنایت به کشور عزیز ما و مردم شریف و نجیب افغانستان"تحفه" آوردند که حاصل آن تحفهٔ شوم و آن "ارمغان" ننگین، به جز از خون و آتش و باروت و قتل و کشتار و خونریزی و خیانت چیزی نبود، درست مانند "تحفه" ایکه در کاغذ های زرین و رنگین و قشنگ و زیبا بسته بندی میکنند و برای عزیزی تحفه می دهند.

جنایت گستران خلقی- پرچمی هم از همان دقایق شومِ آغاز کودتای ننگین ثور و بعد هم "مرحلهٔ نوین" آن که همانا تجاوز وحشیانه و ددمنشانه و خونین و ننگین رو**سیهٔ** شوروی وقت به کشور عزیز ما بود، چیز دیگری به "ارمغان" نیاوردند.

و اما آنچه قابل درنگ است، چشم سفیدی و دیده درائی یک مشت زیردارگریختگی های خلقی- پرچمی است که هر ازگاهی و هر گاه و ناگاهی و هر هفته و چهارشنبه و...، با دیده درائی و چشم سفیدی ذاتی شان از این سایت و آن سایت و از این بیغوله و آن گوشهٔ خلوت، از این جاه و آنجا و...، سری بالا کرده و یک مشت چرند تحویل یک جمع بی مسؤلیت داده و تلاش دارند تا سیه را سپید جلوه داده و به اصطلاح یک عده افراد بی خبر و بی هنر را به زعم خودشان، به کجراهه

رهنمون گردیده و گویا از آبهائی که خود گل آلود ساخته اند، ماهی مطلوب صید کنند، این جمع قلیل و این یک مشت افراد خائن به ملت و مردم و میهن، در حقیقت در غندی خیر نشسته و کنجاره خواب می بینند که بازهم گویا "چپه گرمکی" شود و از آب های گل آلود، ماهی مطلوب خویش صید کرده و زهر مار کنند، فارغ از اینکه هزاران هزار از هموطنان ما بازهم کشته و معیوب و آواره و در به در گردند و کشور جنگ زده و آفت رسیدهٔ ما باردگر، در دریای از خون غرق گردد و...
مردم شریف افغانستانِ عزیز چه زیبا گفته بوده اند باری:"دنیا را همه گر آب برد، مرغابی را تا بند پا است."
آخر گفته اند که:" بی غیرت در سایهٔ درخت می نشیند..."، بلی هموطن"غیرت" و "شهامت" و...، که در این جمع نامتجانس به ذره بین هم سراغ نمی شود، در وجود بی وجود این شرم تاریخ و این بی ننگان تاریخ زده، خدا شرمانده و مردم رانده، نه تنها با ذره بین سراغ شده نمی تواند، بلکه با قوی ترین تلسکوب های جدید نیز در وجود بی وجود شان هرگز قابل رؤیت نیست که نیست.
این بی ننگان تاریخ و این جمع شرف باخته و وجدان مرده، یا مشغول سرقت ترجمه های دیگران اند و یا هم مشغول کشتی سواری و خاطره نویسی و در بهترین حالت ایجاد تفرقه بین هموطنان و به اصطلاح آب را گل آلود نمودن و صید ماهی مطلوب.
یک مشت از این زیردار گریختگی ها هم مشغول سرقت نوشته ها، ترجمه ها و مضامین دیگران و نشر آنها به نام ننگین خود هستند، یعنی در روز روشن مشغول سرقت ادبی هستند و در غندی خیر نشسته، بادی به غبغب انداخته و نوشته ها و مضامین و ترجمه های دیگران را از انترنت دزدی نموده و به نام های ننگین شان در این سایت و آن سایت به نشر رسانیده و گویا موجودیت بی وجود خود را به گونه های مختلف مطرح می سازند و به فحوای ضرب المثل مشهور وطنی ما" من زنده، جهان زنده..." از این کنج و آن کنار و از این بیغوله و آن ناکجا آبادی، اظهار وجود میکنند، تو گوئی آبی از آب تکان نخورده است، افغانستان عزیز ما را به یک ویرانهٔ غم انگیز مبدل نکرده اند، میلیونها هموطن ما را آواره و مهاجر نساخته اند و صدها هزار هموطن مظلوم و بی گناه و بی پناه ما را از دم تیغ عداوت خود نگذشتانده اند و...، این شرف باختگان تاریخ، به فکر قاصر خودشان، اندرین مغالطه و اندرین شرف باختگی و وجدان مردگی های خود غرق اند که بازهم گویا یک "چپه گرمک" شود، باد شود و باران شود و...، و خدا مراد این خوشه چین ها را بدهد و اگر نظر به گذشت زمان و نظر به طوالت عمر ننگین شان، بازهم فرصت خیانت دوباره نیابند، لااقل فرزندان

شان در جای قدم های ننگین و خونین شان، قدم گذاشته و آن راه ناصواب و پر از ننگ را ادامه دهند و...

مردم شریف افغانستان بازهم در چنین مواردی، چه زیبا و چه بجا گفته اند:"بزک بزک نمیر که جو لغمان میرسد". این بزک های روسی به یقین کامل که هرگز دیگر روی نازنین افغانستان عزیز را نخواهند دید و در عالم بی غیرتی و بی وجدانی و بی ننگی و سرخمی راهی عدم خواهند شد و امید است که عمر ننگین شان زودتر به پایان رسد و همان فرزندان شان هم از پی شان یک لعنت بفرستند که چگونه زندگی آنان را نیز به گند نوکرمنشی، غلام بارگی و بی غیرتی و...، آلوده نمودند.

ادامه دارد...

salamwatanam@gmail.com